



پیام نوریها  
public channel



✓ کانال پیام نوریها در سال 95 با هدف تهیه جزوات و نمونه سوالات افتتاح و از همان ابتدای تاسیس کوشیده است با تکیه بر تلاش بی وقفه ، کارگروهی و فعالیت های بدون چشمداشت کاربران متمایز خود ، قدمی کوچک در راه پیشرفت ارائه خدمات به دانشجویان این مرز و بوم بردارد.

@Payamnoria

[telegram.me/Payamnoria](https://t.me/Payamnoria)

رایگان است و همیشه رایگان میماند



اطلاع از اخبار و دانلود جزوات و نمونه سوالات

[برای ورود به کانال تلگرامی پیام نوریها کلیک کنید](#)

" کانال و خانواده تلگرامی پیام نوریها "

با عضویت در کانال و به آرشیو زیر دسترسی پیدا کنید

✓ تمام نمونه سوالات به روز تا آخرین دوره

✓ جزوات درسی

✓ بیش از ۱۰۰ فلش کارت دروس

✓ اخبار به روز پیام نور

✓ فیلم و فایل آموزشی اختصاصی

✓ انجام انتخاب واحد و حذف و اضافه

✓ پاسخگویی به سوالات دانشجویان

✓ معرفی گروه و انجمن های پیام نوری

✓ طنز و توییت دانشجویی

به یکی از بزرگترین کانال های پیام نوری بپیوندید

[برای ورود به کانال تلگرامی پیام نوریها کلیک کنید](#)

## 1. Introduction

### ۱- مقدمه

A contract may be defined as an agreement which is either enforced by law or recognized by laws affecting the legal rights or duties of the parties

قرارداد ممکن است بعنوان توافق تعریف شود که با توسط قانون اجرا می شود با توسط قوانینی که بر حقوق یا تکالیف قانونی طرفین تأثیر گذارند به رسمیت شناخته می شود.

The law of contract is therefore primarily concerned with three questions is there an agreement  
بنابراین اصولاً حقوق قرارداد به سه مسئله مربوط می شود:

Is there an agreement?

آیا توافق وجود دارد؟

Is one which should be legally recognized or enforced?

آیا یک "توافق آنچنان است که باید قانون اجرا یا به رسمیت شناخته شود؟

And just how is the agreement enforced or in other words what remedies are available to the injured party when a contract has been broken ?

و تازه چطور توافق ای می شود یا به عبارت دیگر، وقتی که قراردادی نقض می گردد چه جبران خساراتی  
برای طرف متضرر در دسترس هستند؟

in this article our concern will be with the general rules and to some extent with the modified form in which they apply to particular transactions

در این مقاله توجه ما بر قواعد کلی و تا حدی بر شک تغییر یافته ای که در آن، آنها برای معاملات خاص اعمال  
می شوند خواهد بود.

Rules peculiar or particular transactions will not in general be discussed nor will any attempt be made to give any systematic account of rules governing any one or more particular or special contracts

بطور کلی قواعد مختص به معاملات خاص بحث نخواهند شد و هیچ تلاشی در ارائه کردن هرگو بیان منظم قواعد حاکم بر یک یا چند قرارداد خاص یا اختصاصی صورت نخواهد گرفت.

At the same time is it necessary to warn the reader that the general law of contract of an abstraction since most contracts obviously concern some particular class of transaction

در همین زمان لازم است به خواننده هشدار دهیم که حقوق کلی قرارداد یک چیز انتزاعی است چرا که بیشتر قراردادها به وضوح به گروه خاصی از معاملات مربوط می شوند

and since there is always some degree of danger in assuming that a general rule applies (at least without modification) a contract of the particular type under consideration

و با فرض اینکه یک قاعده کلی بموجب عوض (حداقل بدون تعدیل) نسبت به یک نوع خاص قرارداد اعمال می شود همیشه درجه ای از خطر وجود دارد.

## 2 Agreement

### ۲- توافق

In the normal case a contract results from an agreement between the parties to it and much of the law of contract is concerned with the process of reaching agreement and with the contents of the agreement when reached

در حالت عادی، یک قرارداد از توافق بین طرفین حاصل می شود و بیشتر مباحث حقوق قرارداد به جریان حصول توافق و به محتویات توافقی که حاصل می شود مربوط می شود.

Nevertheless the description of a contract as an agreement is subject to a number of important qualifications

با این وجود، توصیف یک قرارداد بعنوان یک توافق مشمول اوصاف مهم متعددی می باشد.

The first of these is that the law generally speaking applies an objective test of agreement.

اولین اینها این است که حقوق بطور کلی یک معیار عینی توافق آرا اعمال می کند.

If one party A so conducts himself as to induce the other B reasonably to believe that A is assenting to certain terms proposed by B then A will generally be held to have assented whatever his actual state of mind has been

اگر یک طرف (الف)، خودش به گونه ای رفتار کند که اطراف دیگر، ب، (را) اغوا کند و ب بعطور معقول معتقد باشد که الف با شروط پیشنهادی خاص ب راضی است، آنگاه الف عموماً بعنوان کسی که رضایت داده است تلقی خواهد شد، صرفنظر از اینکه وضعیت واقعی ذهنی او چه می خواهد باشد.

The law adopts this attitude in the interest of convenience:

حقوق به لحاظ ابرقراری سهولت این موضوع را پذیرفته است:

A Persian to whom a contractual proposal is made might be seriously prejudiced if he could not take it as its face value The principle is however one of convenience only so that it will not be applied where on balance the inconvenience to A of applying the objective test exceeds the inconvenience to B of allowing A to rely on his actual intention

شخصی که نسبت به او یک پیشنهاد قراردادی صورت پذیرفته است اگر این آنرا با ارزش ظاهری آن بپذیرد ممکن است بطور جدی متضرر گردد. مع الوصف، اصل بر این است که تنها سهولت موردنظر است بنحوی که هرگاه در مقام موازنه ناراحتی الف در اعمال معیار عینی از ناراحتی ب در اجازه به الف [در] اتکا به فساد واقعی این رود، آن اصل اعمال نخواهد شد.

The second qualification is that even where agreement determines the existence of a contract it does not necessarily determine all the contents or scope of a contract.

دومین شرط این است که حتی هرگاه توافق موجودیت یک قرارداد را تعیین کند لزوماً همه محتویات یا گستره یک قرارداد آنرا تعیین نمی کند.

These matters are often so-called implied terms".

این موضوعات اغلب بوسیله به اصطلاح شروط ضمنی «تعیین می شوند.

These may be divided into terms implied in fact and terms implied in law

اینها ممکن است به شروط ضمنی موضوعی و شروط ضمنی حکمی تقسیم شوند.

Only terms implied in fact are truly based on the intention parties

فقط شروط ضمنی موضوعی واقعا براساس قصد طرفین هستند.

Terms implied in law are duties prima facie imposed by law:

شروط ضمنی حکمی علی الظاهر وظایفی هستند که توسط قانون تحمیل شده اند

and with' respect them the intention of the parties is relevant only in so far as it may be open to the parties to the parties to exclude the implied terms by express contrary agreement

و در خصوص آنها قصد طرفین تنها تا حدی مرتبط است که آن ممکن است برای مستثنی کردن شروط ضمنی با بیان توافق مخالف در اختیار طرفین باشد.

Thirdly there is a group of cases which is commonly discussed under the general heading of contract in which the obligation does not truly arise out of an agreement by two parties but rather out of a promise made by one of them

سوم، گروهی از مواردی وجود دارد که عموماً تحت عنوان کلی قرار داد بحث می شود که در آن تعهد واقعا از توافقی توسط دو طرف ناشی نمی شود، بلکه تقریباً ناشی از یک تعهد بعمل آمده توسط یکی از آنهاست.

This would be the position where a person made a gratuitous promise in such a form that is was legally binding

این وضعیت در جانی (صادق) خواهد بود که شخصی تعهدی بلاعوض آرا) در چنان شکلی بعمل آورده است که بطور قانونی الزام آور بوده است.

Fourthly the idea that contract depends on agreement must qualified in cases in which one party in a very much stronger bargaining position that the other so that the former can in a sense impose his term on the latter

چهارم، این ایده او فکر که قرارداد بستگی به توافق دارد باید در حالاتی که در آن یک طرف در موقعیت معاملاتی بسیار قویتر از دیگری است مشروط گردد، بنحوی که امورها پیشین بتواند به تعبیری شروط خود را بر امور دا اخیر تحمیل کند.

The growing use of standard form contracts under which a party is often bound by many terms of which he is not in fact aware is a particularly common illustration of this situation

استفاده روبه رشد از قراردادهای به شکل استاندارد که به موجب آن اغلب یک طرف با شروط بسیاری که در حقیقت از آن آگاه نبوده است ملزم می شود خصوصا یک تصویر عادی از این وضعیت است.

In such cases the weaker party may agree reluctantly or he may take his chance whatever terms are contained in the standard form or he may not in truth have agreed at all

در چنین مواردی طرف ضعیفتر ممکن است از روی بی میلی موافقت کند یا شانس خود را با هر گونه شروطی که به شکل استاندارد مندرج شده اند بیازماید یا در حقیقت ممکن است اصلا موافقت نکند.

Generally the process by which the parties to a contract reach agreement can be analysed into the acceptance by one party of an offer made by another

بطور کلی فرایندی که به موجب آن طرفین یک قرارداد به توافق می رسند می تواند به قبول توسط یک طرف نسبت به ایجاب صورت پذیرفته توسط دیگری تجزیه شود.

Thus in the simplest case A may offer to sell B 50 tons of coal for \$500

بنابراین در ساده ترین شکل، الف ممکن است ایجاب نماید ۵۰ تن زغال را در قبال ۵۰۰ پوند به ب بفروشد.

When B says "I accept" (or uses words to that effect) a contract is concluded.

وقتی ب میگوید «من می پذیرم» (یا الفاظی با آن مضمون آرا بکار می برد) قرارداد منعقد می گردد.

In practice the course of contractual negotiations is often very much more complex than this.

در عمل جریان مذاکرات قراردادی اغلب بسیار پیچیده تر از این حالت می باشد.

When parties begin to negotiate there may be considerable differences between them as to price, quantity quality delivery dates terms of credit and so forth

وقتی طرفین شروع می کنند به مذاکره کردن ممکن است اختلافات قابل توجهی بین آنها نسبت به قیمت، کمیت، کیفیت، تاریخ تحویل، شروط اعتباری و غیره وجود داشته باشد.

Gradually, by a series of concessions they move closer towards and it is often very difficult to say just when an offer has been accepted.

بتدریج، بوسیله یک سری از امتیازات آنها بطرف توافق نزدیکتر می شوند، و آن اغلب خیلی مشکل است بگوئیم چه زمانی یک ایجاب پذیرفته شده است.

For the purpose answering

This question the law distinguishes between various steps or stages question In Negotiations

با هدف پاسخگویی به این سؤال، حقوق بین اقدامات یا مراحل مختلف در مذاکرات تفاوت قائل می شود.

## 2.1. Offer and Invitation to Treat

۲ - ۱ ایجاب و دعوت به معامله

An offer is a statement to the person making it is willing the effect that to contract on the terms stated. as soon as these accepted by the person to whom the statement is addressed

یک ایجاب بیانی است با این مضمون که شخص اظهار کننده آن مایل است براساس شروط مطروحه قرارداد ببندد.

The person making the statement is called the offeror to person to whom it is made is called the offeree or (if accepts the offer) the acceptor

بمجرد اینکه اینها توسط شخصی که این بیان نسبت به او ختلاب شده است پذیرفته شوند، شخص اظهار کننده بیان ایجاب کننده نامیده می شود، شخصی که آن ایجاب) نسبت به او صورت پذیرفته است طرف ایجاب یا (اگر او ایجاب (را) بپذیرد) قبول کننده نامیده می شود.

The offer may be made either expressly (in so many words) or conduct; it may be made to an individual or to a group of persons or to the public large

ایجاب ممکن است یا بطور صریح (با کلمات بسیار زیاد) یا عملاً صورت پذیرد. آن ممکن است نسبت به یک شخص یا یک گروهی از اشخاص یا بطور گسترده نسبت به عموم بعمل آید.



## 2.2. Acceptance

### ۲ - ۲ قبول

Assuming that an offer has been made a contract comes into existence when the offer is accepted

با فرض اینکه ایجابی صورت گرفته باشد، وقتی ایجاب پذیرفته شود، یک قرارداد بوجود می آید.

To accept an offer the offeree must express his assent to the terms of the offer

با پذیرفتن یک ایجاب، طرف ایجاب باید رضایتش را نسبت به شروط ایجاب بیان کند.

He may do so either expressly (by words of acceptance) or may by conduct.

او ممکن است چنین کاری را بطور صریح (با کلمات قبولی) یا عملاً انجام دهد.

In most cases, acceptance will involve two elements The offeree will agree not only to receive the performance which but also SU to be rendered the offeror to render is the counterperformance which the offeror requires of him

در اکثر موارد قبول شامل دو عنصر خواهد شد. طرف ایجاب توافق خواهد کرد نه تنها اینایی که قرار است توسط ایجاب کننده ارائه گردد را دریافت کند بلکه ایفای متقابلی که ایجاب کننده از او درخواست می کند را ارائه نماید.

The contract is then said to be a bilateral one, that is , one under which each party undertakes obligations:

آنگاه گفته می شود قرارداد یک قرارداد دو جانبه است یعنی یک قراردادی که بموجب آن هر طرف تعهداتی را بعهده می گیرد. برای مثال یک طرف توافق می کند کالاها را تحویل دهد و دیگری (آنها) می پذیرد و در قبال آنها پول می پردازد.

## 2.3 Conditional Agreements

### ۲ - ۳ توافقات مشروط

The expression condition is used in the law of contract in a condition variety of senses, some of which all Outside our present discussion

عبارت «شرط» در حقوق قرارداد با تنوع مفاهیمی غامض استفاده می شود که برخی از آنها خارج از بحث فعلی ما قرار می گیرند.

At this point we are concerned with a condition in the sense of an even which operation of the contract depends but which neither party is bound to bring about

در این مرحله، ما با یک شرط بمعنای حادثه ای که در آن اجرای قرارداد بستگی به آن دارد سروکار داریم اما هیچ طرفی ملزم نیست و آنرا ایفا کند.

## Consideration

### ۳. عوض

Speaking generally legal systems do not enforce all agreements

بطور کلی سیستمهای حقوقی همه توافقات را اجرا نمی کنند.

They have some device for limiting the area of enforceable agreements: they require some form or part performance , or something else or something else to make agreements binding

آنها ابزارهایی جهت محدودسازی حیطه توافقات قابل اجرا دارند و بعضی تشریفات [ شکلی یا ایفای ناقص یا چیز دیگری (جهت منعقد کردن توافقات الزام آور [را] مقرر می دارند.

The basic notion of consideration is that of reciprocity promisee should not be able to enforce the promise , unless he has given (or promised to give ) or unless the promisor has obtained (or been promised) something in exchange for it

مفهوم اصلی عوض متقابل بودن آن است یعنی اینکه یک متعهدله نباید قادر به اجرای تعهد باشد مگر اینکه او چیزی ارائه دهد (یا تعهد کند ارائه دهد) یا مگر اینکه متعهد در قبال آن چیزی دریافت کرده باشد (یا تعهد کرده باشد).

This idea underlies the often repeated judicial definition that consideration is a benefit to the promisor or a detriment to the promisee.

این فکر غالباً این تعریف قضایی تکراری را تأیید می کند که عوض سودی برای متعهد یا زیانی برای متعهدله است.

Only one limb of the definition needs to be satisfied:

تنها یک بخش از این تعریف نیاز دارد که در نظر گرفته شود:

if there is a detriment to the promisee there is a contract even though there is no benefit to the promisor and course

اگر زیانی برای متعهدله وجود داشته باشد قراردادی نیز وجود دارد گرچه هیچ سودی برای متعهد وجود نداشته باشد و بالعکس.

Of course in the vast majority of cases the detriment to the promisee (e.g. parting with goods under a contract of sale will also be the promisor (i.e the receipt of the same goods)

البته در اکثریت عمده موارد زیان برای متعهدله (مثل تحویل کالاها بموجب یک قرارداد فروش برای متعهد نیز سودی خواهد داشت (یعنی وصول همان کالاها).

Where a contract is a bilateral one, each party will give and a promise

جائیکه قرارداد یک قرارداد دوجانبه است هر طرف تعهدی خواهد داد و تعهدی دریافت خواهد کرد

In such a case, it s receive the consideration for each promise that is under discussion:

در چنین موردی آن عوضی برای هر تعهد است که مورد بحث می باشد..

it is confusing and wrong to think of the consideration for the contract.

آن اشتباه و نادرست است که فکر کنیم عوض برای قرارداد است

Thut in the case of contract for the sale of goods the consideration for the buyers promise to pay is the seller's promise to deliver the goods or their actual delivery

بنابراین در مورد قرارداد فروش کالاها، عوض تعهد خریدار (جهت پرداختن عبارت است از تعهد فروشنده جهت تحویل دادن کالاها یا تحویل واقعی آنها.

This is a detriment to the seller in that it leads to his parting with the goods; and for the purpose of the requirement of consideration it is quite irrelevant whether the seller has made a good or a bad bargain

این امر زیانی برای فروشنده است بدین معنا که منجر به جدایی اش از کالاها می شود؛ و با هدف اقتضای عوض آن (مسئله) که آیا فروشنده معامله خوب یا بدی انجام داده است کاملاً مرتبط است.

The question whether he has suffered a detriment is in other words detriment supply by looking at his performance without regard to what he will receive in exchange by performance of the buyer's counter promise

این مسئله که آیا او متحمل زیانی شده است، به عبارت دیگر زیان با ملاحظه اجرای او بدون توجه به اینکه او چه چیزی در قبال اجرای تعهد متقابل خریدار دریافت خواهد نمود تعیین می گردد.

Conversely the consideration for the seller's promise to deliver is the buyer's promise to pay or the payment of the price The detriment to the buyer is that he parts with his money again this is looked at in isolation irrespective of the exchange which he receives for it

برعکس عوض تعهد فروشنده جهت تحویل دادن کالاها عبارت است. از تعهد خریدار (جهت پرداختن یا پرداخت قیمت زیان خریدار این است که او از پولش جدا می شود: صرفنظر از مابه ازایی که او در قبال آن دریافت می کند به این امر) بطور مجزا ملاحظه می گردد.

#### 4. Contractual Intention

##### ۴- قصد قراردادی

Even though the parties have reached agreement and even though that agreement is supported by consideration there may still be no contract because the agreement was made without any intention to effect legal relations

هر چند طرفین به توافق رسیده باشند و هر چند اینکه توافق بوسیله عوض حمایت شود اما هنوز ممکن است هیچ قراردادی وجود نداشته باشد زیرا توافق بدون هیچگونه قصد تأثیرگذاری بر روابط حقوقی منعقد شده است.

Of course, in the vast majority of commercial transactions there is no need affirmatively to prove that the parties had such an intention

البته در اکثریت عمده معاملات بازرگانی بطور مثبت هیچ نیازی نیست به اینکه طرفین اثبات کنند چنین قصدی داشته اند.

On the contrary it is up to the party denying the existence of a contract to disprove the intention and the onus of proof which he has to discharge is heavy one

برعکس آن بستگی به طرف انکار کننده وجود قرارداد دارد که قصد را رد کند و بار اثباتی که او مجبور است ایفا نماید یک بار سنگین است.

Moreover in deciding the issue of contractual intention the courts apply an objective test so that a party to an ordinary commercial arrangement can not escape liability merely by showing that he did not in his own mind intend the agreement to affect legal relations

بعلاوه در تصمیم گیری در مورد موضوع قصد قراردادی محاکم یک معیار عینی را اعمال می نمایند. بنحوی که یک طرف قرارداد بازرگانی عادی نتواند صرفاً با اثبات اینکه او بنظر خودش قصد نداشته است که توافق بر روابط حقوقی تأثیرگذار باشد از مسئولیت فرار کند.

## 5. Mistake

۵- اشتباه

The cases in which the validity of a contract may be affected by mistake fall into two main types  
In the first , both parties make the same mistake:

مواردی که در آنها اعتبار یک قرارداد ممکن است بوسیله اشتباه تأثیر پذیر گردد در دو نوع اصلی قرار می گیرند.  
در نوع اول، هر دو طرفین مرتکب اشتباه یکسان می شوند.

In the second type of case the parties make different mistake so that they misunderstand each other

. در مورد نوع دوم، طرفین مرتکب اشتباه متفاوت می شوند بنحوی که آنها نسبت به یکدیگر دچار سوء تفاهم می شوند.

## 6. Misrepresentation

۶- تدلیس

The term misrepresentation refers to certain kinds of misleading statements by which persons may be induced to enter into a contract

واژه تدلیس به انواع خاصی از اظهارات گمراه کننده اطلاق می گردد که به موجب آن اشخاص ممکن است جهت منعقد کردن یک قرارداد اغواگردند.

The law relating to the effects of of misrepresentation is the result of two stages of development which it have left it in on extremely complex state

حقوق مربوط به اثرات تدلیس نتیجه دو مرحله از تحول است که آنرا در یک وضعیت فوق العاده پیچیده قرار داده است.

First the law gave relief by way of damages or rescission for a misrepresentation if it was either fraudulent or if it had been incorporated in the contract as one of its terms

اولا حقوق از طریق جبران خسارات یا فسخ (به جهت یک تدلیس قائل به جبران قضایی گردید مشروط بر اینکه آن (تدلیس یا متقلبانه باشد یا اینکه بعنوان یکی از آن شروط در قرارداد درج گردیده باشد.

More recently, the legal right to damages was extended to certain cases of negligent misrepresentation

اخیرا حق قانونی جبران خسارات به موارد خاص تدلیس مسامحه کارانه تسری داده شده است.

Secondly , equity gave relief for wholly innocent misrepresentation but only by way of rescission and not by way of damages

ثانیا انصاف کلا برای تدلیس غیر عمدی قائل به جبران خسارت گردید اما تنها از طریق فسخ و نه از طریق جبران خسارات.

As a general rule relief for a misrepresentation as such will only be given in respect of statements of existing fact

بعنوان یک قاعده کلی جبران خسارت بخاطر یک تدلیس به این نحو تنها در خصوص اظهارات مربوط به حقایق موجود داده خواهد شد.

These must be contrasted with statement of opinion or belief , statements as to the future , and statements of law

اینها باید با اظهارات عقیده یا باور، اظهارات نسبت به آینده و اظهارات قانونی مقایسه گردند.

Three further conditions must be satisfied before a misrepresentation (other than one having contractual force) will give rise to any remedy

قبل از اینکه تدلیسی به هرگونه جبران خسارت منجر گردد سه شرط دیگر باید تأمین گردد (بجر تدلیسی که قدرت قراردادی دارد).

## 7. Improper Pressure

### فشار ناروا ۷-

The law in a number of situations gives relief against contract obtained by improper pressure

قانون در بسیاری از موقعیتهای در مقابل قراردادهای حاصله از فشار ناروا قائل به جبران خسارت می شود.

The crucial word here improper Almost every contract is made under some form of economic pressure and even where this pressure is considerable- where in other words one party is able to drive a hard bargain the validity of the contract is not normally affected

واژه مهم در اینجا «ناروا» است. تقریباً هر قراردادی تحت بعضی از اشکال فشار اقتصادی منعقد شده است و حتی در مواقعی این فشار قابل توجه است - به عبارت دیگر وقتی که یک طرف قادر است معامله سختی انجام دهد اعتبار قرارداد تحت تأثیر قرار نمی گیرد.

But the law does give relief in respect of certain forms duress and undue influence;

اما حقوق در خصوص اشکال خاصی اکراه و اعمال نفوذ ناروا قائل به جبران خسارت می شود.

It intervenes on behalf of certain classes of persons whom the law considers to be in need of special protection against harsh contracts;

آن از طرف طبقات خاصی از اشخاص که در مقابل قراردادهای سخت نیاز به حمایت خاص دارند ملاحظه می گردد

and there is some recent support for the view that it can give relief in certain cases of the inequality of bargaining power

اخیرا حمایتی برای این عقیده وجود دارد که می تواند در موارد خاص نابرابری قدرت معاملاتی قائل به جبران خسارت شود.

## 8. Duress

### ۸- اکراه

The original definition of duress was a very narrow one . It meant actual or threatened unlawful violence to, or constraint of , the person of the contracting party

تعریف اولیه اکراه یک تعریف خیلی محدود بود. آن (تعریف) بمعنای خشونت عملی یا فشار تهدید آمیز غیر قانونی شخص طرف قرارداد بود.

According to a group of mid 19th century cases duress of goods does not affect the validity of a contract , so that a promise to pay money to prevent the unlawful seizure of goods , or to obtain the release of goods which have been unlawfully detained, amounts to a perfectly good contract

براساس یک گروه از دعاوی اواسط قرن ۱۹، «اکراه مالی» بر اعتبار یک قرارداد تأثیر نمی گذارد بنحوی که تعهد به پرداخت پول جهت ممانعت کردن از تصرف غیر قانونی کالا یا تحصیل رهایی کالائی که بطور غیرقانونی توقیف شده بود منجر به یک قرارداد کاملاً معتبر می شود.

But it has also been held in another line of cases, that money actually paid in such circumstances can be recovered back by the payer , and the two lines of cases

are in fact incongruous even if it is possible to reconcile them on technical grounds

اما همچنین در ایک رشته از دعاوی دیگر چنین حکم داده شده است پولی که عملاً در چنین شرایطی پرداخت شده است می تواند توسط پرداخت کننده مسترد گردد



Recent cases indicate that the courts are moving away from the view that only duress to the person can invalidate a contract

و در حقیقت این دو دسته از دعاوی با هم مغایرند حتی اگر امکان سازش در زمینه های فنی بین آنها باشد.

## 9. Undue Influence

۹- اعمال نفوذ ناروا

Equity sometimes gives relief where an arrangement has been obtained by some form of pressure outside the narrower legal definition or duress

گاهی اوقات انصاف در جائیکه یک قرارداد بوسیله نوعی فشار حاصل شده، که خارج از تعریف حقوقی محدودتر اکراه قرار می گیرد، قائل به جبران خسارت می شود.

## 10. Performance and Breach Every contract imposes certain obligations on at least one of the parties .

۱۰ - اجرا و نقض قرارداد) هر قراردادی تعهدات خاصی را حداقل بر یکی از طرفین تحمیل می کند.

If the contract is unilateral it imposes an obligation on only one of the parties In the more common case of a bilateral contract obligations are imposed on both parties and each of the parties may be subject to more one obligation Under an ordinary contract for the sale of goods

در موارد متداولتر در یک قرارداد دوجانبه، تعهدات بر هر دو طرفین تحمیل می شوند و هر یک از طرفین ممکن است مشمول بیش از یک تعهد گردند

The buyer on the other hand will be obliged to accept the goods and to pay for them

از طرف دیگر خریدار مکلف خواهد بود کالاها را بپذیرد و اپولی) در قبال آنها بپردازد.

## 11. Frustration

۱۱- عدم امکان اجرا (قرارداد)، (انتهاء)

A contracting party may be in breach even though his failure to perform is not due to any want of care or diligence on his part.

یک طرف قرارداد ممکن است ناقص قرارداد باشد گرچه تصورش (در اجرای قرارداد) بخاطر هیچگونه عدم مراقبت یا دقت از طرف او نباشد.

On the other hand the seller would not be liable if before the relevant time the port were destroyed by an earthquake

از طرف دیگر اگر قبل از زمان مذکور بندر بوسیله یک زلزله تخریب شود فروشنده مسئول نخواهد بود

In that event the contract is said

در آن حالت گفته می شود

have been frustrated by supervening impossibility

قرارداد بواسطه عدم امکان ناگهانی دچار عدم امکان اجرا گردیده است.

The distinction between the two cases is an obvious, almost intuitive one which it is not altogether easy to put into words

تمایز بین این دو مورد یک تمایز روشن و تقریباً ذاتی است. کلاً آسان نیست که آن را در لفظ او بیان بکنجانبیم.

In our first case the seller undertakes that there will be a ship, perhaps realizing that there is an element of risk about such an undertaking

اما در مورد اول فروشنده متعهد می گردد که یک کشتی وجود خواهد داشت، شاید تشخیص دهد که در مورد چنین تعهدی یک ضریب خطر اهم وجود دارد.

But in the second he does undertake that there will be a port: this is simply assumed by both parties

اما در دومین مورد او تعهد می کند که یک بندر وجود خواهد داشت این امر صرفاً توسط هر دو طرفین فرض می شود

When a fundamental assumption of this kind is falsified by subsequent events the doctrine of frustration comes into play

هنگامیکه یک تعهد اساسی از این نوع بوسیله حوادث بعدی منتفی می شود نظریه عدم امکان اجرا مطرح می گردد.

## 12. Remedies for Breach of Contract

۱۲ - جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد

Remedies for breaches contract can be classified from various points of view

جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد می تواند از دیدگاههای مختلف طبقه بندی گردد.

First, they can be divided into judicial and non-judicial remedies.

اولاً - آنها می توانند به جبران خسارات قضایی و غیر قضایی تقسیم شوند.

judicial remedies are those that must be sought by taking proceedings in a court of law or before an arbitrator

جبران خسارات تضایی آنهایی هستند که باید با اقامه دعوی در یک محکمه حقوقی یا نزد یک داور مطالبه گردند؛

non-judicial remedies are those that are sought in some areas of the law an important non-judicial remedy is self-help

جبران خسارات غیر قضایی آنهایی هستند که به بعضی طرق دیگر مطالبه میگردند. در بعضی از زمینه های حقوقی یک جبران خسارت غیر قضایی مهم، خودیاری است